در این نمایش‌واره هم تماشاچی می‌گرید هم بازیگر

غربت ۱۴۰۰ ساله کوچه‌های بنی‌هاشم

یوسف حیدری
گزارش نویس

خشت خشت دیوارهای این کوچه آن روز شاهد ناله‌های دختر پیامبر(ص) بودند. نوای نوحه فضای کوچه را پر می‌کند: «دود بود و دود بود و دود بود/ گل میان آتش نمرود بود/ آن چه جان می‌داد بین ابر و دود/ عشق بود و عشق بود و عشق بود» صدای نوحه با ضجه و اشک‌های تماشاگران گره می‌خورد. همه با عبور از تونل زمان مقابل در چوبی که فاطمه(س) پشت آن برای دشمنان علی(ع) خطابه می‌خواند می‌ایستند. دشمنان امیرالمؤمنین برای گرفتن بیعت آمده‌اند. کسی به حرف‌های دختر پیامبر گوش نمی‌کند. مأموریت دارند علی(ع) را برای بیعت با خلیفه ببرند، اما مانع بزرگی سر راه آنها است؛ لحظه‌ای بعد در خانه علی(ع) به آتش کشیده می‌شود و شعله‌های آتش که زبانه می‌کشد صدای ناله بلندتر می‌شود. انگار تاریخ این کوچه دوباره تکرار می‌شود. با دستور فرمانده مهاجمان در، شکسته می‌شود و دختر پیامبر به زمین می‌افتد. ضربات تازیانه مغیره و قنفذ بر بدن فاطمه زهرا(س) اشک را از چشمان همه سرازیر می‌کند. دو نفر از زنان تماشاچی سنگ ریزه به طرف هنروران که نقش بازی می‌کنند می‌اندازند. چند نفری هم آنها را نفرین می‌کنند. داغ دلشان را با سنگ‌ریزه خالی می‌کنند. سکانس کوچه تمام می‌شود. بازیگران گوشه‌ای می‌نشینند و آرام اشک می‌ریزند. یکی از آنها با صدای بلند می‌گوید چطور دلشان آمد پهلوی دختر پیامبر را بشکنند و به او تازیانه بزنند؟ با شنیدن این جمله صدای ناله بلندتر می‌شود. باید خیلی زود برای نمایش سکانس بعدی آماده شوند اما انگار دلشان هنوز در غربت کوچه بنی هاشم جا مانده است.

روایت این روزهای نمایشواره کوچه‌های بنی‌هاشم روایت غم و غربت است؛ جایی که شهادت حضرت زهرا(س) و ماجرای بستن دست‌های حضرت علی(ع) برای گرفتن بیعت به نمایش درمی‌آید. دوازدهمین نمایشواره‌های کوچه‌های بنی‌هاشم این بار در میدان خراسان برپا شده است. جایی که مردم از سراسر تهران برای تماشای آن و شنیدن روایت شهادت فاطمه زهرا(س) می‌آیند. چند درخت نخل ما را از دل شلوغی و ترافیک خیابان ۱۷ شهریور به کوچه‌ای کاهگلی می‌برد. کوچه بنی‌هاشم همان جایی است که تاریخ غربت خاندان پیامبر(ص) از همان جا آغاز می‌شود.

هر لحظه به تعداد جمعیت اضافه می‌شود. ۶ لوکیشن برای اجرای این نمایش آماده شده است. ماجرا از اسارت یک معلم به دست دو مزدور داعشی آغاز می‌شود. معلم شیعه در مقابل تهدیدهای دو مزدور داعشی که او را کافر می‌خوانند می‌خواهد یک بار دیگر کتب تاریخ اسلام را مطالعه کنند. دو مزدور داعشی که از حرف‌های معلم عصبانی هستند همراه او به تونل زمان می‌روند. انتهای تونل به کوچه‌ای ختم می‌شود که همه چیز آنجا اتفاق می‌افتد. تماشاگران همراه و با عبور از تونل وارد کوچه می‌شوند. روزهای بعد از وفات پیامبر(ص) است. غم و اندوه مدینه را فرا گرفته. حضرت علی(ع) مشغول عمل به وصیت پیامبر(ص) است، اما گوشه‌ای از شهر دشمنان خاندان پیامبر(ص) جانشین او را انتخاب می‌کنند و از همه می‌خواهند با او بیعت کنند. برخی از سر ترس و برخی هم با وعده پول دست بیعت می‌دهند، اما این پایان ماجرا نیست. بیعت حضرت علی(ع) از همه مهمتر است اما وقتی به در خانه هجوم می‌برند این بار فاطمه(س) مدافع ولایت می‌شود. صدای او از پشت در برای مهاجمان که سخنان پیامبر را بازگو می‌کند لرزه بر اندام آنها می‌اندازد. اوج نمایش وقتی است که مهاجمان برای بردن علی(ع) در خانه را آتش می‌زنند و با لگد آن را می‌شکنند. صدای ناله فاطمه(س) از پشت در بلند می‌شود.

یکی از میان تماشاگران فریاد می‌زند مادر برایت بمیرد کاش آنجا بودیم و اجازه نمی‌دادیم در را بشکنند. صدای فضه خدمتگزار خانه علی(ع) بلند می‌شود: «زهرا را کشتند». نگاه بازیگران به تماشاگرانی است که از ناراحتی به سر و صورت می‌زنند. همه اشک می‌ریزند. از مغیره و قنفذ تا زنان و مردانی که از شدت ناراحتی روی صندلی بند نمی‌شوند. میثم حسینی بازیگر نقش ابوبکر به دیوار انتهای کوچه تکیه داده و آرام اشک می‌ریزد. می‌گوید بیشتر از ۱۰۰ بار این صحنه را دیده‌ام ولی این داغ همیشه تازه است: «اصل روضه شهادت فاطمه زهرا(س) در همین کوچه است. روز اول که نقش‌های نمایش بین بازیگرها تقسیم می‌شد از پذیرفتن نقش بازیگرانی که در حمله به خانه علی(ع) و هتک حرمت به بیت خاندان پیامبر(ص) حضور دارند شانه خالی کردم. طاقتش را ندارم. باور کنید هر بار وقتی ابوعبیده، مغیره و قنفذ از آتش زدن خانه زهرا(س) و بستن دستان علی(ع) برمی‌گردند خون گریه می‌کنند. همه ما بچه هیأتی هستیم و پای روضه بزرگ شده‌ایم. برای ما سخت است بخواهیم صحنه‌ای را بازی کنیم که فاطمه زهرا(س) به شهادت رسید. زیاد به روضه نزدیک نمی‌شوم و همیشه دورتر می‌ایستم. به اعتقاد من اجرای این‌گونه نمایشواره‌ها بیشتر از روضه اثر دارد. نوجوانان و جوانان بخشی از روایت تاریخ را می‌بینند و با حقایق آن آشنا می‌شوند. نمایش‌های آیینی باعث می‌شود درک بهتری از وقایع تاریخی پیدا کنیم.

رضا معطریان / ایران

> انتهای کوچه بنی‌هاشم به خیمه‌ای ختم می‌شود که روی آن با عکس‌هایی از شهید سردار سلیمانی پر شده است. دو دختر نوجوان با گوشی موبایل مشغول عکس گرفتن می‌شوند. یکی از آنها با گوشه چادر خاک روی یکی از قاب عکس‌ها را پاک می‌کند و می‌گوید: ای کاش آن روز هم یکی مثل سردار سلیمانی مدافع ولایت می‌شد

کمی دورتر صدای همهمه مردان و زنانی که به انتظار ایستاده‌اند شنیده می‌شود. با پایان نمایش، گروه اول از تماشاگران از محوطه خارج می‌شوند تا گروه دوم وارد شوند. هر لحظه به جمعیت افزوده می‌شود.

حسن بزرا کارگردان نمایش کوچه‌های بنی‌هاشم کمی دورتر نظاره‌گر کار بازیگران است. می‌گوید هرچقدر برای ایام فاطمیه و نشان دادن واقعیت تاریخ کار کنیم کم است: «این دوازدهمین نمایشنامه کوچه‌های بنی هاشم است. سه سالی است این کار به شکل نمایش اجرا می‌شود و تا قبل از آن به شکل هنر تجسمی و ماکت انجام می‌شد. متأسفانه به دلیل شیوع کرونا در دو سال اخیر نتوانستیم این نمایشواره را برگزار کنیم. با تعدادی از اعضای گروه به سوریه رفتیم و با گروه ۴۰۰ نفره که بسیاری از آنها هنرمندان سوری بودند نمایش ارض الشمس با محوریت مقاومت را در زینبیه برگزار کردیم. این نمایش تلفیقی از خلقت حضرت آدم تا وقایع اخیر سوریه را به تصویر می‌کشد. قبل از شیوع کرونا هم نمایش تنهاتر از مسیح را در تهران به روی صحنه بردیم. مردم ما علاقه زیادی به نمایش‌های آیینی دارند. از اولین شب نمایش کوچه‌های بنی‌هاشم با استقبال پرشور مردم مواجه شدیم. سه گروه بازیگر با یک متن واحد نمایش را در پنج لوکیشن اجرا می‌کنند. کارهای نمایشی بسیاری برای محرم انجام می‌شود اما متأسفانه برای ایام فاطمیه کمتر است. نمایش کوچه‌های بنی‌هاشم در فضای سه هزار متر مربع توسط مؤسسه ریحانة النبی برگزار می‌شود که روایت روزهای بعد از رحلت پیامبر(ص) است؛ روزهایی که برای گرفتن بیعت از حضرت علی(ع) جهت خلافت ابوبکر اتفاق‌هایی افتاد که در ادامه به شهادت فاطمه زهرا(س) منجر شد. تماشاگران دقایقی خودشان را در کوچه‌های مدینه تصور می‌کنند. در سکانس پایانی نیز مقابل قبرستان بقیع می‌ایستند و راوی از وصیت حضرت زهرا(س) و خاکسپاری مخفیانه در دل شب می‌گوید. استقبال مردم آنقدر زیاد است که هر شب نزدیک به سه هزار نفر این نمایش را تماشا می‌کنند. گاهی اوقات مجبوریم تعداد اجراها را بیشتر کنیم. خیلی‌ها هم بعد از تماشای نمایش روز بعد دوباره همراه خانواده می‌آیند.»

انتهای کوچه بنی‌هاشم به خیمه‌ای ختم می‌شود که روی آن با عکس‌هایی از شهید سردار سلیمانی پر شده است. دو دختر نوجوان با گوشی موبایل مشغول عکس گرفتن می‌شوند. یکی از آنها با گوشه چادر، خاک روی یکی از قاب عکس‌ها را پاک می‌کند و می‌گوید: «ای کاش آن روز هم یکی مثل سردار سلیمانی مدافع ولایت می‌شد.»

جدول سودوکو

ارقام ۱ تا ۹ را طوری در خانه‌های سفید قرار دهید که هر رقم در سطرها، ستون‌ها و مربع‌های کوچک ۳ در ۳ یکبار دیده شود

۳۸۴۸

آسان

	۵	۶		۹	۸		۴	
		۴	۳	۵				
۸			۴			۳	۲	
	۲		۶		۷		۹	۵
				۱				
	۱	۶	۴		۵		۸	
۲	۳				۵			۴
			۴	۹	۷			
	۶		۷	۳		۱	۵	

متوسط

۸		۱		۳				۴
				۱		۲	۹	۳
۷					۹			
		۸	۵	۲				
	۴			۸		۱	۲	
						۹	۸	
			۲	۵	۱			
۱	۵	۲		۸				
۴		۸		۲				۵

سخت

	۲		۹					۸
۸				۷		۱	۹	
			۶			۳		
				۴				
۲	۵		۱		۷		۳	
			۶			۴		
				۶	۸			
	۹			۲				۷
۴			۲			۵		

خیلی سخت

	۶		۷		۹			
	۵				۴			
۷			۶			۱		
			۳					
۳		۱	۸	۹	۴	۲		۶
			۵					
	۳				۹			۲
		۸		۲		۶		
۲			۵					۴

حل جدول سودوکو شماره ۳۸۴۸

آسان

۴	۵	۶	۱	۹	۸	۳	۲	۷
۷	۱	۳	۲	۵	۶	۴	۸	۹
۹	۸	۲	۴	۷	۳	۵	۶	۱
۱	۶	۴	۵	۳	۷	۸	۹	۲
۳	۹	۵	۶	۸	۲	۱	۷	۴
۲	۷	۸	۹	۱	۴	۶	۳	۵
۵	۳	۹	۷	۶	۱	۲	۴	۸
۸	۴	۷	۳	۲	۵	۹	۱	۶
۶	۲	۱	۸	۴	۹	۷	۵	۳

متوسط

۸	۲	۱	۹	۳	۵	۱	۲	۸
۵	۹	۲	۸	۱	۴	۶	۹	۳
۷	۶	۴	۳	۹	۲	۵	۸	۷
۹	۵	۸	۲	۶	۷	۳	۴	۱
۱	۳	۶	۴	۵	۸	۹	۷	۲
۲	۷	۵	۱	۸	۹	۴	۳	۶
۳	۸	۹	۷	۲	۶	۱	۵	۴
۴	۱	۷	۶	۴	۳	۲	۸	۵
۶	۴	۳	۵	۷	۱	۸	۶	۹

سخت

۶	۲	۹	۳	۸	۴	۷	۱	۵
۵	۸	۴	۱	۷	۹	۳	۶	۲
۳	۷	۱	۶	۵	۲	۹	۴	۸
۸	۵	۶	۴	۹	۷	۲	۳	۱
۴	۹	۲	۸	۳	۱	۵	۷	۶
۱	۳	۷	۵	۲	۶	۸	۹	۴
۹	۶	۵	۷	۱	۳	۴	۸	۲
۲	۴	۸	۹	۶	۵	۱	۱۰	۷
۷	۱	۳	۲	۴	۸	۶	۵	۹

خیلی سخت

۴	۱	۷	۳	۸	۹	۶	۲	۵
۵	۲	۸	۶	۴	۷	۹	۱	۳
۹	۶	۳	۱	۵	۲	۸	۴	۷
۱	۵	۴	۹	۷	۸	۳	۶	۲
۲	۸	۹	۴	۳	۶	۵	۷	۱
۷	۳	۶	۵	۲	۱	۴	۹	۸
۳	۹	۱	۷	۶	۵	۲	۸	۴
۶	۴	۵	۸	۹	۳	۷	۱	۱۰
۸	۷	۲	۲	۱	۴	۱	۵	۹

یک جدول با دو شرح

جدول روزنامه *ایران* دارای دو «شرح عادی و ویژه» است. در صورت تمایل به حل دو شرح ابتدا یکی از شرح‌ها را با مداد حل کرده و سپس با پاک کردن جواب شرح اول، به حل شرح دوم بپردازید.

۷۸۱۷

جدول عادی

افقی:
۱- بنیانگذاری واحداث- نمایش مذهبی ایرانی
۲- چرند و پرند- سال قبل- رویه‌ای متقابل میان همسران
۳- پایه- آسانی- بهترین ورزش- مخفف ماه
۴- نشدنی- شکلی نامناسب در خوابیدن- گلی زینتی
۵- برنج آبکش شده- مجموعه اشعار شاعر- پادشاه مادها
۶- مباهات، سرفرازی- سنگ سبز قیمتی- راه و جاده
۷- درجه‌ای در ارتش- کارزار- خویش و شخص
۸- آزاده کربلا- از آثار و ابنیه تاریخی اصفهان- یک لحظه
۹- گوشت خالص- خسوف و کسوف- لایه‌ای در جو
۱۰- بین پیچ و مهره- درنگ- بالاپوش
۱۱- پافشاری کردن در امری- همبازی «لورل»- برادر پدر
۱۲- ماری خطرناک- نام بتی- نماد
۱۳- عبودیت- ستاره ایرانی تیم «پورتو»- جوان- رنگ موی فوری
۱۴- سطل آبکشی از چاه- کشور آفریقایی- دوره دبستان
۱۵- گلی که در زمستان هم سبز است- داوطلب

عمودی:
۱- سلاح گرم کوچک جیبی- غذای مقوی صبحانه
۲- فرستادن- محله بزرگ و قدیمی شهر تبریز- وسیله نوشتن
۳- واحد تنیس- راننده اتومبیل- کسی که برای خدا شریک قرار دهد- جانشین او
۴- نوعی اسباب بازی- پایان دادن- میانجی
۵- بعد از آن- صدای برخورد ناخن با ساز- دومین شهر بزرگ آذربایجان شرقی
۶- به شیوه اشراف- قوم باستانی- نامی از نام‌های زنان عرب
۷- قلب دوم!- میوه زرد و خمیده- آسایش- عروس آسمان
۸- سبک وژانر سریال خانگی «سیاوش» (۱۴۰۰)
۹- مخزن- امپراطور دیوانه روم- همراه «تب»- آید- صدمتر مربع
۱۰- ترسناک- حاجت- شب پیش
۱۱- ماه سوم بهار- بحث داغ مسابقات ورزشی- قدیمی‌ترین پایتخت جهان
۱۲- همنشین و همدم- جلو- مقابل «مقصد»
۱۳- نام آذری- باطل کننده- پند دهنده- والده
۱۴- ملایم- زحل- از ملزومات سوارکاری
۱۵- حیرت کردن- آفتابِ درخشان

۱۲- چوپان- از عناصر اربعه- عدم اطمینان از نتیجه یک عمل
۱۳- صحرای خشک- شاهنامه خوانی- یک نوع کشتی- آب مایه دباغی
۱۴- طعم- پایبندی به پیمان- پایتخت «اوگاندا»
۱۵- گرمخانه- بالاپوش خانم‌ها

عمودی:
۱- نوعی چراغ توری- فیلمی به کارگردانی «عباس مرادیان»
۲- نام «دکولو» ملی‌پوش بسکتبال فرانسه- پاسداری- ابزار بریدن چرم
۳- مقدار مجاز دارو- خواهر- ضد «پیاده»- سکسکه
۴- معادل ۹۲ سانتیمتر- نسیه نیست- فرمان کشتی
۵- پیراستن باغبان- سلاحی خودکار- نوه ابراهیم (ع)
۶- لغت اوستایی به معنی نیکی رسان- پدر مرده- نوعی ازپرتقال
۷- رفته از عمر- روشن شدن- گوشت بریان- یکی از روستاهای شهرخمام در گیلان
۸- سریالی به کارگردانی مشترک راما قویدل و احمد معظمی
۹- وسیله احتیاطی- ماسک- اراده و پشتکار قوی- همسرایی
۱۰- امر به ماندن- اثر «مریلین رابینسون»- خودی
۱۱- جانوری که در زیر زمین زندگی می‌کند- گوش دادن- جمع امت
۱۲- زمان- ستون عرشه کشتی- کشتی گیر آماده
۱۳- بس- رشک برنده- مرتاض هندی- نام زنانه فرنگی
۱۴- کمترین اندازه- کشباف- پیامبری
۱۵- بانوی چراغ به دست- دفاع چپ «منچستر یونایتد»

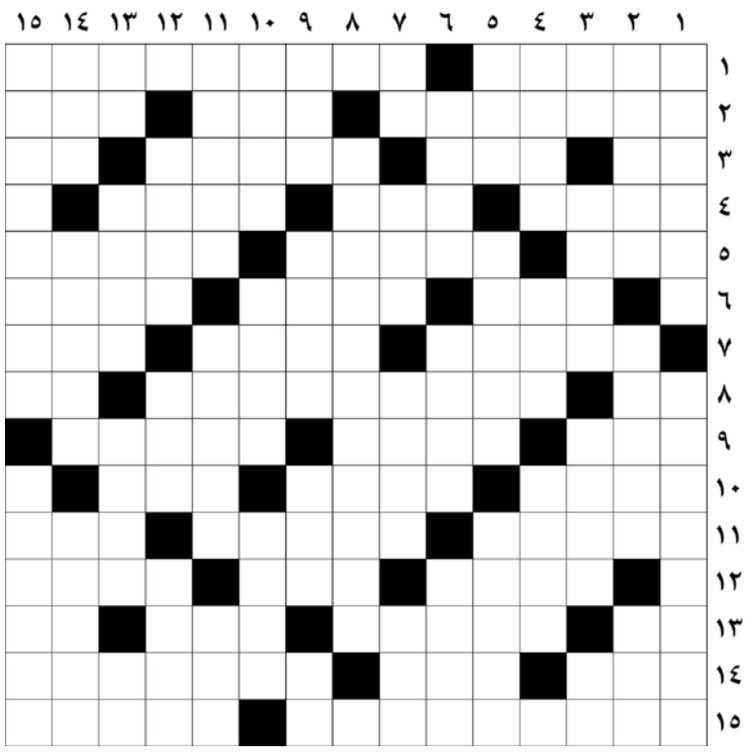

جدول ویژه

افقی:
۱- سلسله تاریخی ایرانی- پایتخت «برونئی»
۲- فیلمی به کارگردانی «لوئیس بونوئل»- نمونه نمایشی- آب فروش
۳- قهوه- صدای بلند- فیزیکدان بزرگ رنسانس- گام یک پا
۴- دوستی- نام «زاکس» شاعر و نویسنده آلمانی- پیوند ازدواج
۵- امر به روفتن- از خلفای ظالم عباسی- تباهی
۶- متاع- دانا- جامعه‌شناس فرانسوی
۷- براق وصاف- حکومت عصر هیتلر- ظرف روسیاه!
۸- یارو- اثر «مارگارت پترسون هدیکس»- همگی
۹- واحد گاو و گوسفند- کشوری در آفریقای شمالی- بهره هوشی
۱۰- الهه زیبایی- چکاندنی تفنگ- سطل آبکشی از چاه
۱۱- بی شرمی- اشاره به چیزی نامعلوم- مرهون

حل جدول عادی شماره ۷۸۱۶
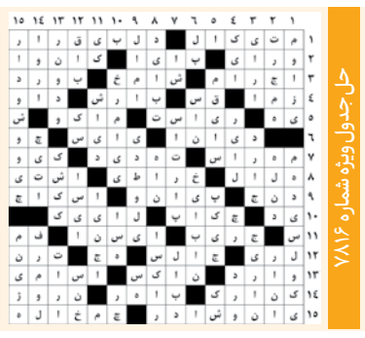
حل جدول ویژه شماره ۷۸۱۶